

پراکندگی فرق و مذاهب تشیع در کردستان

کیومرث عظیمی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

دکتر محمدعلی چلونگر / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

چکیده

مناطق کردنشین به دلیل تنوع مذهبی و وجود تفکرات آیینی فراوان، یکی از حوزه‌های پیچیده در زمینه فرق و مذاهب است و کمبود تحقیقات و مطالعات علمی در این خصوص مزید بر علت بوده، بر این پیچیدگی می‌افزاید. بیشترین جمعیت کردها پیرو مذهب شافعی از اهل سنت‌اند. این وضعیت در ایران، عراق، ترکیه و سوریه ثابت بوده و این خصیصه مذهبی ایشان وجه تمایز آنها با همسایگانشان است؛ زیرا همسایگان عرب، ترک، لر و فارس آنها، یا پیرو مذهب تشیع اثناعشری‌اند و یا سنی حنفی. در کنار پیروان مذاهب و فرقه‌های اسلامی، گروهی از کردها، مسیحی، آشوری، کلیمی و یزیدی مذهب هستند و جمعیت قابل توجهی از آنها را تشکیل می‌دهند.

گسترده‌گی و پراکندگی کردهای شیعه مذهب در مناطق کردنشین، تابع چه متغیر یا متغیرهای است؟ بیشترین جمعیت کردهای شیعه مذهب کدامند و در کجا سکونت دارند؟ کدام یک از آیین‌ها و مذاهب کردان در دایره تشیع قرار می‌گیرد؟ علل پذیرش و گسترش تشیع در میان کردها چیست؟ و چرا تنوع مذاهب در میان کردها نسبت به اقوام همجوارشان بیشتر است؟ اینها مهم‌ترین سؤالاتی هستند که این نوشته در پی پاسخ به آنهاست.

کلیدواژه‌ها: پراکندگی، فرق، مذاهب، تشیع، کردستان، گورانی، کرمانجی، سورانی.

مقدمه

تحقیق در خصوص فرق و مذاهب شایع در مناطق کردنشین، به دلیل گستردگی مناطق تحت سکونت کردها و پراکندگی ایشان در کشورهای ایران، عراق، ترکیه، سوریه، و ارمنستان و مهاجرت جمعیت انبوهی از آنها به اروپا، آمریکا و سایر کشورهای جهان، کاری دشوار و مستلزم تحقیقات و مطالعات بسیار است. تحقیقات درباره این موضوع بیشتر به وسیله مستشرقان انجام گرفته و به دلیل نگاهی بسیار سطحی که داشته‌اند، در خصوص ظهور و گسترش برخی از افکار و عقاید مذهبی در میان کردها دچار اشتباه شده و تفسیرهای غلطی ارائه داده‌اند. محققانی که بخواهد تحقیقی جامع الاطراف درباره فرق و مذاهب شایع در میان کردها انجام دهد، لازم است به زبان‌های کردی، عربی، ترکی، فارسی و انگلیسی تسلط داشته باشد تا بتواند از نوشته‌های متفرق انجام شده، خوشه‌چینی کند و مطالب صحیح و مفید را دست‌چین نماید و سپس به تحلیل و تطبیق آنها پردازد. هرچند اکثریت کردها، اهل سنت و پیرو مذهب شافعی‌اند و در میان ایشان گروهی آشوری، مسیحی، کلیمی و یزیدی زندگی می‌کند، اما پیچیده‌ترین و جالب‌ترین قسمت، بررسی فرق و مذاهب تشیع در مناطق آنهاست؛ زیرا شاخه‌های مذهبی منسوب به تشیع در میان کردها بیشترین پراکندگی را دارد و جمعیت انبوهی از مردم کرد در کشورهای مذکور، مذهب شیعه اثناعشری و در کنار آن، بسیاری از ایشان پیرو مکتب یارستان (اهل حق)، علوی، کاکه‌ای، شبک، بجوران، علی‌اللهی و قزلباش هستند که از نظر تقسیم‌بندی عقاید، در دایره فرق و مذاهب منسوب به تشیع قرار می‌گیرند. این نوشته تا حدی به معرفی عقاید این گروه‌ها می‌پردازد.

تشیع در کردستان

کردها از اقوام هند و اروپایی هستند که هزاران سال پیش از مرزهای شمالی وارد ایران شده و در نواحی کوهستانی غربی اسکان یافته‌اند. قوم کرد عقیده دارد که پیش از تشرّف به آیین اسلام، زرتشتی بود و بقایای تعداد بسیاری از آتشکده‌ها در مناطق کردنشین مؤید این مطلب است. نام طایفه «به‌دینان» (عماریه) هم دلیل بر آن است که کردان پیش از اسلام دین «بهی» داشته و زرتشتی مذهب بوده‌اند. (بلو، ۱۳۷۹، ص ۱۱) اگرچه کردها ابتدا علیه اسلام مقاومت شدیدی از خود نشان دادند، اما بعدها - بمانند سایر اقوام ایرانی - به سرعت آن را پذیرفتند.

امروزه جمعیت کردها از نظر تقسیمات سیاسی، در ناحیه‌ای قرار گرفته که میان پنج کشور ترکیه، ایران، عراق، سوریه و ارمنستان تقسیم شده است و جمعیت قابل توجهی از مردم این کشورها را تشکیل می‌دهد. البته به دلیل وضعیت خاص سیاست این کشورها در قبال کردها، میلیون‌ها نفر از ایشان در سراسر دنیا پراکنده‌اند و از گذشته نیز تعداد قابل توجهی از کردها به شمال خراسان انتقال یافته و در نواحی قوچان و شهرهای اطراف آن اسکان یافته‌اند. کردها در ایران، در غرب و شمال غربی در سه استان کرمانشاه، ایلام، کردستان و قسمت‌های وسیعی از آذربایجان غربی ساکنند. نواحی شرقی و شمال کشور عراق نیز نواحی کردنشین است. در سوریه، کردها در شمال و شمال شرقی آن کشور مقیم هستند. در ارمنستان، کردها در قسمت جنوبی و در ترکیه در نواحی جنوب، جنوب شرقی و شرق زندگی می‌کنند. کردها در طول تاریخ، همواره مردمی مذهبی بوده و علاقه زیادی به تفکر در امور مذهبی، عرفانی و معنوی داشته‌اند. هرچند بیشترین جمعیت آنها پیروان مذاهب شافعی و تشیع هستند، اما به‌طور گسترده، بنیان‌گذار و پذیرای فرق متعدد عرفانی و صوفی نیز بوده‌اند. در میان ملت کرد، پیروان ادیان و مذاهبی همچون اسلام، مسیحیت، یهودیت، تشیع امامی، تشیع علوی، نصیری، طریقه‌های عرفانی نقشبندی،

قادریه، حسین ابدال، بکتاشیه، اهل حق، کاکه‌ای و نیز پیروان آیین ایزدی با منشأ زرتشتی و مانوی و دیگر فرقه‌های شایع دیگر وجود دارد که به دلیل این ویژگی، بحق باید کردستان را «هند جهان اسلام» نامید. (الیم، ۱۳۷۸، ص ۲۱ / Nebez, 2004, p22, 28) طوایف کرد عمدتاً اعتقاد شدیدی به قول و فعل مشایخ دارند و با وجود پای‌بندی به مذهبی خاص، در پی‌روی از مسلک دراویش و احترام به آنها فعالیت‌اند. مرکز عمده فعالیت دراویش نقشبندیه و قادریه در میان کردها، اورامان، مکر، سلیمانیه، شمدینان، و خربوت است. (بلو، ۱۳۷۹، ص ۱۱)

کردها زبان مخصوص به خود دارند و چون کردها و ایرانیان هم‌نژادند زبانشان با زبان فارسی دارای اشتراکات بسیاری است. این زبان از لحاظ ساختار، عمدتاً به چهار لهجه اصلی کرمانجی، سورانی، گورانی و زازایی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی ارتباط خاصی نیز با عقاید و مذاهب موجود در میان کردها دارد، به این صورت که گورانی‌ها بیشتر پیرو مذهب شیعه اثناعشری و مکتب یارستانند، کرمانجی‌ها و سورانی‌ها بیشتر پیرو مذهب شافعی و اهل سنت بوده، و کردان زازایی عمدتاً علوی مذهب هستند. (برونه، ۱۹۹۹، ص ۶۰) در کنار آنها، گروهی از کردان آشوری، مسیحی، کلیمی، شبک، یزیدی، صارلی، کاکه‌ای، و دیگر فرقه‌های منسوب به غلات وجود دارند. این نوشته قصد دارد پراکندگی شیعیان اثناعشری و دیگر فرق و مذاهبی را که می‌توان آنها را در دایره تشیع آورد، مشخص کند و به معرفی اجمالی تفکر آنها بپردازد و مناطقی را که این گروه‌های منسوب به تشیع در آن ساکنند، معرفی نماید.

۱. کردهای گورانی

به‌طور کلی، در تماس با مناطق شیعه‌نشین ایران و عراق، مردم کرد به لهجه «گورانی» سخن می‌گویند و عموماً مذهب تشیع اثناعشری دارند. گروهی از آنها نیز پیرو مکتب «یارستان» (اهل حق) هستند که آنها نیز گرایش‌های شدید تشیع دارند.

(Izady, part yarsanism, p.2) این شاخه از مردم کرد، که جمعیت قابل توجهی را شامل می‌شوند، در دو کشور ایران و عراق پراکنده‌اند. در عراق، ناحیه کوچک شرق بدره در استان عربی واسط، بخش‌های میدان، قره تو، خانقین و مندلی در استان دیاله با این لهجه سخن می‌گویند و چون در تماس با شیعیان عرب اثناعشری قرار دارند، مذهب تشیع جعفری اختیار کرده‌اند. این قسمت‌ها، که نواحی جنوبی کردستان عراق هستند، به کردهای «فیلی» معروفند و با لهجه گورانی، وابستگی‌های شدید زبانی و مذهبی با کردان ایلام و کرمانشاه ایران دارند. به سبب داشتن مذهب تشیع اثناعشری، دولت عراق آنها را از نواحی کردنشین شافعی مذهب شمالی جدا کرده و در استان‌های عربی دیاله و واسط قرار داده است که بر مذهب تشیعند. (کنдал، وانلی، نازدار، ۱۳۷۰، ص ۱۷۵)

کردهای فیلی شیعه مذهب عراق در طول انقلاب‌های داخلی کشورشان، همواره با دیگر کردهای سرزمینشان متحد بوده و در کنار آنها قرار داشته‌اند. (وان بروین، ۱۳۷۹، ص ۳۸) به همین دلیل، پس از اعلام خودمختاری کردستان از دولت مرکزی، عده‌ای از آنها به مناصب و مقامات عالی‌رتبه حکومتی و نظامی در دولت اقلیم کردستان رسیدند که از آن جمله، می‌توان به ملاًبختیار معاون حزب «اتحاد دموکرات کردستان» و عماد احمد نماینده ملاًمصطفی در بغداد و معاون «اتحاد میهنی کردستان» اشاره کرد که هر دو از کردهای فیلی شیعه‌مذهبنند.

علاوه بر کردان فیلی نواحی دیاله، گروه دیگری از کردهای عراق، که به لهجه گورانی سخن می‌گویند، دارای گرایش‌های تشیع هستند. این گروه کردهای کاکه‌ای نواحی استان کرکوک هستند. (برونه، ۱۹۹۹، ص ۶۰/صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۹) که در روستاهای بسیاری از این ناحیه پراکنده‌اند و بقعه‌ها و زیارتگاه‌های متعددی نیز دارند. (افندی بایزیدی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۷) پیروان این مسلک خود را مسلمان شیعه مذهب دانسته و مانند شیعیان اثناعشری، به ائمه اطهار (دوازده امام علیهم‌السلام) ارادت دارند.

بزرگان صاحب‌نظر در علم‌الادیان، تفکرات این گروه را ترکیبی از تصوّف و غلات شیعه می‌دانند. (تابانی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۹) در مذهب آنها، طبقه روحانی درجه اول ساداتند، و پس از آنها، کاک‌ها متصدی اعمال مذهبی می‌شوند. (رشید یاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴) در غرب ایران - در استان کرمانشاه - این عقیده به مکتب «یارستان» یا «اهل حق» یا «علی‌اللهی» معروف است و بزرگانشان خود را اهل حق و حقیقت معرفی می‌کنند.

تفاوت کردان کاکه‌ای عراق با اهل حق ایران در این است که ایشان هرچند به امام علی علیه السلام و سلاله او محبت می‌ورزند و بسیار احترام می‌گزارند و امام علی علیه السلام را پایه و اساس عرفان و اسرار الهی می‌دانند، اما شعایر اسلامی و ازدواج و طلاق را طبق مذهب ابوحنیفه انجام می‌دهند و نسبت به دشمنان اهل‌بیت نیز معتقد به دشمنی و نفی آنها نیستند. (افندی بایزیدی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۳) شاید علت تسامح در مذهب ایشان، که آنها را از دیگر شیعیان متمایز می‌سازد، همجواری محل سکونت ایشان با سنّیان عرب عراق باشد که همگی آنها مذهب حنفی دارند، در حالی که کردان سنی مذهب، همگی شافعی مذهبند.

در ایران نیز کردهایی که لهجه کردی گورانی دارند همان نقشی را ایفا می‌کنند که این دسته از کردها در عراق بر عهده دارند؛ یعنی در نواحی قرار گرفته‌اند که محل تماس کردها با مناطق شیعه مذهب ایران است و بر اثر همین تماس نیز مذهب شیعه اثناعشری اختیار کرده‌اند. کردهای گورانی ایران از طوایف و عشایر مقیم استان ایلام و کرمانشاه هستند که در حدّ فاصل مناطق کردنشین شافعی مذهب و استان‌های لرنشین شیعه مذهب قرار دارند. در استان کردستان نیز طوایف کرد مقیم در نواحی شهرهای بیجار و قروه و در استان آذربایجان غربی نیز کردهای چاردلی و شقاقی به لهجه گورانی صحبت می‌کنند و مذهب تشیع اثناعشری دارند و در مرز تماس کردهای سورانی و کرمانجی شافعی مذهب و ترک‌های شیعه مذهب هستند. (زکی بک، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳-۱۴۶) ایل بزرگ شقاقی در اصل، مذهب تسنن

داشتند، اما تیره‌هایی بزرگ از این خاندان به دلیل ارادت به خاندان صفوی و در نتیجه همکاری با پادشاهان آن سلسله، در طول تاریخ به مذهب شیعه گرویده‌اند. آنها به تدریج، زبان ایلی خود - گورانی - را از یاد برده و در نتیجه تماس گسترده با ترکان، به زبان آذری تکلم می‌کنند. (توحیدی ادغازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷)

از مهم‌ترین طوایف کردی که به لهجه گورانی سخن می‌گویند، می‌توان به طوایف کلهر، زنگنه، احمدوند، بهتویی، نانکلی، پایره‌وندی، باجلان، کلیایی و سنجایی در استان کرمانشاه، و ارکوازی، ملکشاهی در ایلام، و چاردلی، بلکیان، شقاقی و باوه لی در استان کردستان و آذربایجان غربی اشاره کرد. (افشار، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۶۴-۱۳۱۶/بهتویی، ۱۳۷۷، ص ۴۳/رشید یاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳)

در کنار کردان گورانی شیعه مذهب جعفری، جمعیت قابل توجهی از کردهایی که در ایران به لهجه گورانی صحبت می‌کنند، بر مذهب مکتب «یارسنان» (اهل حق) هستند. (Izady, part yarsanism, p.1) اهل حق را به نام‌های «یارسنان، اهل طایفه، طایفه‌سان، علی‌اللهی»، و در عراق به نام «کاکه‌ای» می‌شناسند. (سندجی، ۱۳۷۵، چهل و یک) مذهب یا مسلک اهل حق یکی از شاخه‌های مذهبی وابسته به تشیع و مجموعه‌ای است از عقاید و آراء خاص که با ذخایر معنوی پیش از اسلام و افکار فرقه‌های غالی شیعه پس از اسلام، که به ویژه در نواحی غرب ایران پراکنده بودند، درآمیخته است. راه و روش اهل حق بر اساس برنامه‌هایی است که توسط بزرگان این فرقه مانند مبارک‌شاه و سلطان اسحاق و یاران و جانشینانشان به زبان کردی اورامانی عرضه شده و به شدت متأثر از دیانت زرتشتی و عقاید رایج دوران پیش از اسلام ایران است. (گلزاری، بی‌تا، ص نود و سه)

بنیان‌گذار کیش اهل حق «مبارک شاه علوی» ملقب به «شاه خوشین» است که در اواخر قرن چهارم هجری در لرستان ظهور کرد و این آیین را - که در آن وقت به آن «حقیقت» می‌گفتند - رواج داد. پیروانش او را «مظهرالله» و متولد از مادری

باکره به نام «مامد جلاله» می‌دانند. (مینورسکی، بی‌تا، ص ۲۲۳/گلزاری، بی‌تا، ص نود و سه) شاه خوشین و پیروانش سرودهای مذهبی خود را با هماهنگی و همراه با نواختن تنبور می‌خواندند و در ذکر فرو می‌رفتند. (انصاف پور، ۱۳۷۹، ص ۹۹) وی از لرستان به همدان رفت و باباطاهر عریان را ملاقات نمود و سپس راه کرمانشاه را در پیش گرفت، اما مرگ امانش نداد و در رود «گاماسی آب» در حوالی هرسین غرق شد.

در اواخر قرن هفتم هجری، با ظهور سلطان اسحاق برزنجی آیین او در نواحی کردنشین تثبیت شد و مردم بسیاری را به خود جلب کرد. (مینورسکی، بی‌تا، ص ۲۲۳/ گلزاری، بی‌تا، ص نود و چهار) بدین‌سان، مرکزیت این مذهب به مناطق کردنشین غربی، یعنی «کرمانشاهان» منتقل گردید. امروزه تمام طوایف گوران و قلخانی و بیشتر طوایف سنجابی و بخشی از طوایف کلهر و زنگنه و ایلات عثمانه‌وند و جلاله‌وند از ایلات کرمانشاهان و برخی از مردم شهرهای غربی ایران، همچون قصرشیرین، سرپل ذهاب، کرد، صحنه، دینور و هلیلان از اهل حق هستند. در لرستان نیز در مناطق دلفان و پشتکوه و در میان ایلات لکستان سکوند، سکونت دارند. در تبریز، زنجان، مراغه، قزوین، تهران و در کلاردشت نیز پیروان اهل حق وجود دارند. در خارج از مرزهای سیاسی ایران، بعضی از طوایف کرد در شهرهای سلیمانیه، کرکوک، موصل و خانیقین در عراق و طوایفی از کردهای ساکن ترکیه - عمدتاً در درسیم - از اهل حق هستند. (سندجی، ۱۳۷۵، ص چهل و سه/ افشار، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۳۴۱-۱۳۴۸/ تابانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۳) چون بیشتر طوایف کردی که بر مذهب اهل حق هستند لهجه گورانی دارند، گاهی به همه اهل حق «گورانی» می‌گویند. این گروه همواره خود را از اهل تشیع به شمار آورده و در طول تاریخ دولت صفویان، همیشه یاریگر این دولت در مقابل سنیان عثمانی بوده‌اند. (تابانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۳)

جمعیت گورانی‌های اهل حق قریب ده‌هزار خانوار (آمار مربوط به سال ۱۹۱۴) است که در زمستان، در دشت سرپل ذهاب، قصرشیرین و مغرب آن، و تابستان‌ها

در کرد و ریجاب و ماهی‌دشت زندگی می‌کنند. خانواده‌ای از آنان موسوم به «سلطان‌ها» بر آنها حکم می‌رانند و اداره امور دنیایی و مذهبی آنها را بر عهده دارند. این حاکمان نیز تابع امارت اردلان سنج هستند، اما چون ضعیف شدند طایفه کرد کلهر بر آنها مسلط گشتند. (افندی بایزیدی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۶) برخی از روی عناد، اهل حق را «علی‌اللهی» نامیده‌اند، اما آنها خود را در ظاهر، شیعه اثناعشری معرفی می‌کنند و در حقیقت هم باید میان پیروان اهل حق و علی‌اللهی‌ها تفاوت قایل شد. کتاب مقدس اهل حق، کلام سرانجام یا کلام خزانه نام دارد که مانند سرودهای اوستا منظوم بوده و با گویش کردی اورامی سروده شده است. (سنندجی، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۱ و ۴۲) پیروان مکتب یارستان (اهل حق) در سایر نواحی، خارج از مناطق کردنشین عمدتاً به زبان ترکی تکلم می‌کنند، اما به «گوران» معروفند. (افندی بایزیدی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۲ و ۲۱۷)

در پایان این مبحث، با قطعیت می‌توان گفت: تمام کسانی که از میان کردهای ایران و عراق به لهجه گورانی سخن می‌گویند بر دو مذهب شیعه اثناعشری و اهل حق هستند. طوایف و مکان‌های زندگی ایشان در هر دو کشور ایران و عراق قرار دارد. از زمان سلطه دولت صفوی بر ایران در اوایل قرن دهم هجری تا کنون طوایف کرد گوران به دلیل گرایش به تشیع، همواره مورد اعتماد دولت مرکزی ایران بوده و از سوی ایشان برای اداره نواحی کردنشین ایران انتخاب می‌شده‌اند و در نتیجه، در ساخت حکومتی دولت‌ها، مناصب و مقام‌های عالی‌رتبه‌ای را کسب نموده‌اند.

۲. کردهای سورانی

کردهایی که به لهجه سورانی صحبت می‌کنند بیشترین جمعیت کردهای ایران و عراق را تشکیل می‌دهند. در این دو کشور، تمام طوایف و قبایل کردی سورانی مذهب شافعی دارند و اهل سنت و جماعت هستند. از این میان، تنها گزارش از

گرایش کردهای سورانی به مذهب تشیع، مربوط به تمایل خاندان حاکم «اردلان» به مذهب تشیع در دوران حکومت‌های صفویه و قاجاریه است که برخی از نویسندگان به آن اذعان کرده‌اند. گروهی از مورخان و نویسندگان مذهب خاندان اردلان سنج را - به دلیل تعاملات گسترده‌شان با حکومت‌های صفویه و قاجاریه - جعفری معرفی کرده و آنها را شیعه مذهب دانسته‌اند. اما گروهی دیگر نیز ایشان را شافعی‌مذهب معرفی کرده و آنها را هم‌مذهب توده‌های مردمی دانسته‌اند که بر آنها حکومت می‌کرده‌اند. در اینکه کردهای اردلان به لهجه سورانی تکلم می‌کردند شکی نیست، اما در پذیرش خبر تشیع آنها باید احتیاط کرد؛ زیرا محققان تظاهر ظاهری حاکمان اردلان به مذهب تشیع و نیز تمایل برخی از افراد این خاندان به مذهب جعفری را در مساعد کردن زمینه برای تداوم حکومتشان تفسیر کرده‌اند. (هادیان، ۱۳۸۹، ص ۴۴-۵۱) شهرهای منطقه اورامان در کرمانشاه (پاوه، جوانرود، روانسر، ثلاث) و تمام شهرهای استان کردستان - بجز شهرهای بیجار و قروه - و نیز تمام شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی - بجز کردان، نواحی سلماس و ماکو - در کنار تمام کردهای مقیم در شهرهای استان سلیمانیه عراق به لهجه سورانی سخن می‌گویند و بر مذهب شافعی‌اند. (افشار، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴۹ / زکی بک، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳ / تابانی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۳) جالب است بدانیم که در میان جمعیت بسیار کردهای ایران و عراق، که به لهجه سورانی سخن می‌گویند، کمتر کسی بر مذهب جعفری یا دیگر فرق منسوب به تشیع یافت می‌شود. اما در میان کردهایی که به لهجه‌های کردی گورانی، کرمانجی یا زازایی سخن می‌گویند، می‌توان گروه‌های بسیاری از شیعیان اثناعشری و یا دیگر فرق منسوب به تشیع را یافت و به معرفی آنها پرداخت.

۳. کردهای کرمانجی

کردهایی که به لهجه کرمانجی صحبت می‌کنند بیشترین تعداد کردها را شامل می‌شوند. «کرمانجی» مهم‌ترین لهجه کردهاست که بیش از پنجاه درصد جمعیت قوم کرد در سراسر دنیا دارای این لهجه هستند. این لهجه مانند دیگر لهجه‌های زبان کردی، صورت مکتوب دارد و زبان نیمه رسمی کردها به شمار می‌آید و در زمان قیمومیت انگلیسی‌ها بر عراق، در مدارس مناطق کردنشین تدریس می‌شد. (ابلاس، ۱۳۷۷، ص ۳۳) تقریباً تمام کردهای شمال کردستان عراق، نواحی کردنشین ترکیه، قسمتی از کردهای شمال غربی ایران و کردهای مقیم نواحی قوچان و شمال خراسان لهجه کردی کرمانجی دارند که تقریباً بیش از نیمی از جمعیت تمام کردها را تشکیل می‌دهند. از لحاظ دینی، بیشترین کردهایی که به لهجه کرمانجی سخن می‌گویند، همچون کردهای سورانی، پیرو مذهب شافعی‌اند و گروهی نیز در تماس و تعامل با ترکان عثمانی، مذهب حنفی اختیار کرده و اهل سنت هستند. اما در میان آنها، جمعیت بسیاری از طوایف و قبایل را می‌توان یافت که بر مذهب شیعه جعفری یا سایر فرق شیعه، همچون علویان هستند.

کردهای خراسان، که امروزه به «زعفرانلو» معروفند و در شهرهای اسفراین، نیشابور، شیروان، قوچان، درگز، کلات و چناران اسکان دارند، در روزگار سلجوقیان و تیموریان، هنگامی که در کردستان ترکیه و شمال عراق کنونی به سر می‌بردند، به «چمش‌گزک» معروف و بر مذهب شافعی، و اهل سنت و جماعت بودند. هنوز هم پیرمردان و پیرزنان این نواحی خود را به نام «چمش‌گزک» شناخته و به زبان کردی و لهجه کرمانجی سخن می‌گویند. این گروه را شاه عباس صفوی به همراه طوایفی از ترکان، به شمال خراسان انتقال داد تا از مرزهای ایران در مقابل تهاجم ازبکان دفاع کنند. این کردها تحت سلطه دولت صفوی و محیط خراسان، مذهب شیعه اثناعشری

را پذیرفته و اکنون تمام کردان کرمانجی شمال خراسان بر این مذهبند. (توحیدی، ۱۳۷۱، صفحات متعدد کتاب / زکی بک، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳ / بهتویی، ۱۳۷۷، ص ۴۳) غیر از شیعیان اثناعشری، در میان کردهای کرمانجی، دو گروه دیگر از این دسته از کردها در دایره فرق تشیع قرار می‌گیرند:

گروه اول به کردان «قزلباش» معروفند که در کردستان ترکیه، در نواحی مرزی با ایران و عراق زندگی می‌کنند و لهجه کرمانجی دارند. آنها از گذشته، شیعه بوده، اما با شیعه اثناعشری تفاوت‌های زیادی دارند و به دلیل گرایش‌های شیعی در میان آنها، همواره ایشان را ایرانی قلمداد می‌کنند. به نظر می‌رسد مذهب آنها ترکیبی از گرایش‌های تصوّف با تشیع به همراه آداب و سننی از ادیان دوران باستان ایران است که در میان این گروه از کردان، از دوره‌های کهن باقی مانده است. (عبدالواحد، ۱۳۷۸، ص ۲۵-۲۶ / کندال، وانلی، نازدار، ۱۳۷۰، ص ۹۱-۹۲)

گروه دوم به «علویان» معروفند که عمدتاً در ترکیه و سوریه سکونت دارند. تعدادی از خانوارهای کرد کرمانجی و تقریباً تمام کردهایی که به لهجه «زازایی» صحبت می‌کنند، بر این مذهبند. (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۸-۳۹) بیشترین جمعیت علویان ترکیه ترک هستند، اما در میان کردهای آن کشور نیز پیروانی دارند که در درسیم، خارپوت (آلازیک) و مرعش زندگی می‌کنند. (کندال، وانلی، نازدار، ۱۳۷۰، ص ۹۱-۹۲ / تابانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۳) پیروان این فرقه برخی از سنن و آداب کهن خود را حفظ کرده و تنها نام بعضی از ائمه و اولیای دین را به آنها اضافه کرده‌اند. علویان هرچند خود را شیعه معرفی می‌کنند، اما عادات‌ها و مناسک دینی ایشان با شعایر اسلامی تفاوت‌های بسیاری دارد. آنها به همه پیامبران احترام می‌گذارند و ائمه اثناعشری را تقدیس و آنها را تجسم خداوند در زمین می‌پندارند. یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر در میان کردان علوی ترکیه، «عبدالله اوجلان» رهبر حزب «کارگران کردستان»، موسوم به «PKK» است که اکنون در زندان ترکیه به سر می‌برد.

کردهای مقیم سوریه را نیز باید یکی از شاخه‌های کردان کرمانجی به شمار آورد. این گروه از کردان، که قریب ۱۲ درصد از جمعیت کل کشورشان را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در سه ناحیه کشور سوریه مستقرند:

۱. منطقه کردکوه در شمال شهر حلب، هم‌مرز با انطاکیه و اسکندرون ترکیه؛
۲. منطقه عین عرب در شمال شرق حلب؛
۳. شمال استان جزیره که بیشترین جمعیت کردهای سوریه را در خود جای داده است.

از مهم‌ترین شهرهای کردنشین سوریه، می‌توان به قامشلی، عموده، درباسیه، درک، عین عرب و عفرین اشاره کرد که تنها عفرین در مرز عراق قرار دارد و بقیه این شهرها با ترکیه هم‌مرزند. کردهای مقیم سوریه نیز غالباً پیرو مذهب شافعی و اهل سنت هستند، اما قسمتی از آنها پیرو آیین «یزیدی»^۱ و گروهی دیگر علوی هستند که قرابت‌های بسیاری از لحاظ فکری و مذهبی، با علویان ترکیه دارند، اما خود را «حسینی» می‌خوانند. (رشید یاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳/ کندال، وانلی، نازدار، ۱۳۷۰، ص ۲۵۵-۲۵۷)

سایر فرقه‌های منسوب به تشیع در میان کردها

از دیگر فرقه‌های مذهبی شایع در میان کردها، که می‌توان شعاعیری از تشیع را در میان آنها یافت و ایشان را در دایره مذاهب تشیع قرار داد، می‌توان به گروه‌های دیگری اشاره نمود که از لحاظ تعداد پیروان و گستردگی نواحی جغرافیایی محدودند.

۱. تقریباً تمام کردهای مقیم ارمنستان، گروه بسیاری از کردهای ترکیه، جماعت بسیاری از کردان نواحی موصل در عراق و شمال سوریه پیرو آیین «یزیدی» هستند. آیین «یزیدی» را باید در کنار مسیحیت و یهودیت، دینی مستقل از افکار اسلامی شمرد که لفظ آن منسوب به «یزدان» بوده و ریشه آن هم به آیین‌های دوران باستان ایران بازمی‌گردد و می‌توان در آن رگه‌هایی از افکار زرتشتی، مانوی و مزدکی یافت و در میان عقایدشان، هیچ‌گونه شعاعیری از اسلام دیده نمی‌شود. (رشید یاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۶ و ۱۳۱/ تابانی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۵/ بایزیدی افندی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳ و ۲۱۱/ زکی بک، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱-۲۱۲)

الف. صارلی‌ها

یکی دیگر از فرقه‌های مذهبی در میان کردها، جماعت «صارلی‌ها» هستند که محل اسکان ایشان نواحی جنوبی موصل در عراق است و به لهجه گورانی صحبت می‌کنند. طایفه صارلی خود را از عشیره «کاکه‌ای» می‌دانند که از نواحی کرکوک به آنجا مهاجرت کرده‌اند. (مینورسکی، ۲۰۰۷، ص ۱۹۶) عبادات و معتقدات آنها مرموز و سرّی است و کسی کاملاً از اعتقادات و باورهای آنها اطلاع دقیقی ندارد. گویند: کتاب مقدّسشان به زبان فارسی است و آثار بسیاری از دین قدیم ایران و معتقدات طوایف غلات شیعه در آیین آنها دیده می‌شود. (گلزاری، بی‌تا، ص صد و یک) گویند: وجه تسمیه این طایفه به «صارلی» آن است که روحانیان ایشان بهشت را به افراد طایفه می‌فروشدند و چون کسی از این طایفه مستحق بهشت شد، می‌گویند: «صار الی الجنة»؛ یعنی به بهشت رفت. از مشخصات ظاهری آنان این است که مانند یزیدی‌ها و اهل حق، موی شارب خود را کوتاه نمی‌کنند. (رشیدیاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴-۱۲۵ / سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸)

ب. شباک یا (شبک‌ها)

هرچند شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ق در آذربایجان موجودیت دولت جدید صفویه را اعلام کرد، اما اجداد او، که از پیشوایان مذهبی در میان مردم بودند، فعالیت‌های خویش را از ناحیه «سنجار» کردستان شروع کردند. شیخ صفی‌الدین اردبیلی و پسرش صدرالدین موسی از برجستگان مورد توجه پیشوایان علویان زاگرس بودند. صدرالدین موسی به دلیل درگیری با حکام مغول در سال ۷۵۸ق از سنجار به تبریز تبعید شد و از آنجا به گیلان گریخت و پس از او رهبری به علاءالدین علی رسید. او همواره لباس سیاه می‌پوشید و به «علی سیاه پوش» معروف بود. علی در زهد افراط می‌کرد و در چند مجلس به خدمت تیمور رسید. در سال

۸۱۴ ق وقتی شاهرخ به جنگ قره یوسف، پیشوای قره قویونلو، می‌رفت در قره باغ با او ملاقات کرد. علاءالدین علی در سفرهای مکرررش به کردستان، پیروان و فداییانی یافت که به «شباک» یا «شیک» معروفند. این فرقه پیشوای خود، علاءالدین علی، را «علی رش» می‌نامند و نسبت به او علاقه فراوانی دارند. شبک‌ها گروهی از کردها هستند که غالباً در نواحی کردنشین موصل زندگی می‌کنند و انگلیسی‌ها شمار آنها را تا ده‌هزار نفر تخمین زده‌اند. این گروه از کردها از غلات شیعه محسوب می‌شوند و مشترکات زیادی با کردهای اهل حق، دارند. (مینورسکی، ۲۰۰۷، ص ۱۹۶-۱۹۷) آنها تنها به زیارت قبور بسنده کرده و نزد بزرگ خود، موسوم به «پیر» یا «بابا»، به گناهان خود اعتراف می‌کنند. شبک‌ها نسبت به حضرت علی علیه السلام غلو می‌کنند و در میانشان، اعدادی خاص، رمزی برای ائمه اثنا عشرند. کتاب مقدس آنها به نام «مناقب» معروف است و در آداب و سلوک نوشته شده و مناظره شیخ صفی‌الدین و صدرالدین را دربر دارد. (سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸) آنها اعتقاد دارند که دوستی با حضرت علی علیه السلام هر گناهی را نابود می‌کند. در روز دهم ماه محرم، به احترام شهدای عاشورا، تا شب کفش نمی‌پوشند و این شب را «لیلة الکفشه» می‌نامند. شبی به نام «غفران» دارند که تمام مردان و زنان گرد هم می‌آیند و با گریه و زاری، طلب بخشش می‌کنند. این جشن را «عید عذرگیجه سی» می‌نامند. (سلطانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰-۱۷۳ / رشید یاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۵ / تابانی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۴)

ج. بجوران‌ها

از دیگر فرقه‌های کرد، که به داشتن افکار تشیع منسوب هستند، «بجوران‌ها» را می‌توان نام برد. آنها مذهبی خاص و سرّی دارند و خود را الهی می‌خوانند که مراد همان «علی الهی» است. (مینورسکی، ۲۰۰۷، ص ۱۹۷-۱۹۸) این گروه هرچند در ترکیه زندگی می‌کنند، اما در خاک ایران، نزدیک به مرز ترکیه نیز از این قوم دیده

می‌شوند. همهٔ پیروان این فرقه، علاقه‌ای تام به ایران دارند و ائمهٔ شیعه مثل امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را می‌پرستند و در واقع، حد وسط میان علی الهی ایران و یزیدیان عراق و ترکیه هستند. (رشید یاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۵ / تابانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۴ / گلزاری، بی‌تا، ص صد و سه) کتاب مقدس آنها مانند کتاب دینی شیک‌ها و صارلی‌ها به زبان فارسی است. (سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹)

آنچه در بحث و بررسی ادیان و مذاهب شایع در میان کردها در قبل و بعد از اسلام به خوبی جلب توجه می‌کند، وجه اشتراک و پیوند فکری آنان با ایرانیان است. کردها بخش بسیاری از ادیان کهن ایرانی را زنده نگاه داشته‌اند و چه قبل و چه بعد از اسلام، در فرازهای اعتقادی خود، وجه اشتراک دارند.

نتیجه

آنچه می‌توان از تحقیق و تفحص در خصوص عقاید و مذاهب کردها در طول تاریخ، چه قبل از اسلام و چه بعد از آن، به دست آورد وجود تسامح و آزادی افکار و مذاهب گوناگون در میان این مردم است. وجود مذاهب و آیین‌های فراوان در میان جمعیت انبوه کردها نیز بر این امر صحّه می‌گذارد. در تاریخ مردم کرد، درگیری‌های مذهبی و عقیدتی وجود نداشته و برای کردها، تعامل و ارتباط با هم‌زبانان کرد خود، با هر عقیده، مذهب و مرام، امری عادی و معمولی است. در این بین، ملاک تعامل و ارتباط بیش از آنکه بر مذهب و آیین تکیه داشته باشد، بر کرد بودن و سخن گفتن به زبان کردی است. به همین دلیل، گاهی چند گروه از کردها با مذاهب و آیین‌های مختلف در یک منطقهٔ خاص و محدود، بدون نزاع در تعاملند. گرایش ذاتی قوم کرد به امور معنوی و الهی نیز حوزهٔ سکونت آنها را به کانونی مناسب برای تبلیغ افکار،

آیین‌ها و مذاهب گوناگون تبدیل کرده که در کنار گرایش مردم کرد به تسامح مذهبی، این زمینه مساعدتر نیز شده است. تحقیقات بیشتر و دقیق‌تر در این حوزه، می‌تواند جوانب بیشتری از پراکندگی فرق و مذاهب در میان کردها را روشن سازد؛ زیرا کمبود تحقیقات در این زمینه از سوی محققان وطنی و اسلامی بر پیچیدگی موضوع افزوده و نوشته‌های سطحی مستشرقان در این مبحث، ابهامات آن را دو چندان کرده است.

گسترده‌گی فرق و مذاهب تشیع در مناطق کردنشین بیش از هر امر دیگر، تحت تأثیر متغیر زبانی و حوزه سکونت جغرافیایی است. در میان کردها، بیشترین جمعیت شیعه مذهببان به لهجه کردی گورانی صحبت می‌کنند و حوزه‌های سکونتشان با کانون‌های تشیع ایران و عراق همجوار است. این همجواری و نیز اعتماد دولت‌های صفوی و قاجاریه، در به‌کارگیری عمال و کارگزاران خود از میان کردهای گورانی، برای اداره مناطق کردنشین، موجب گسترش تشیع در میان این گروه از کردها شد. تنوع فرق و مذاهب اسلامی، همچون شافعی، حنفی، جعفری، اهل حق، علوی، کاکه‌ای، بجوران، قزلباش، علی‌اللهی و حسینی در کنار جمعیت انبوهی از کردهای ایزدی، مسیحی، آشوری و کلیمی نشان از تسامح مذهبی ویژه‌ای در میان قوم کرد دارد که آنها را از ملل همجوارشان متمایز می‌سازد.

منابع

۱. ابالاس، ادگار، جنبش کردها، ترجمه اسماعیل فتاح قاضی، تهران، نگاه، ۱۳۷۷.
۲. الیما، بثوار، آخرین مستعمره (بحران کردستان ترکیه از آغاز تا اکنون)، تهران، پژوهنده، ۱۳۷۸.
۳. افشار (سیستانی)، ایرج، کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، چ دوم، تهران، نگارستان کتاب، ۱۳۸۱.
۴. افندی بایزیدی، محمود، آداب و رسوم کردان، به اهتمام الکساندر ژابا، نظرات و مقدمه هه ژار، ترجمه و ضمایم عزیز محمدپور داشبندی، میلاد، ۱۳۶۹.
۵. انصاف پور، غلامرضا، تاریخ سیاسی و جغرافیایی مردم کرد (از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین)، تهران، ارمغان، ۱۳۷۹.
۶. برونه، سن مارتین فان، ناغا و شیخ و ده وله ت، ترجمه سه روه ت محه مه دئه مین، چ دوم، سلیمانیه، سه رده م، ۱۹۹۹.
۷. بلو، ژویس، مسئله کرد؛ بررسی تاریخی و جغرافیایی، ترجمه پرویز امین، سنندج، دانشگاه کردستان، ۱۳۷۹.
۸. بهتویی، حیدر، کرد و پراکندگی او در گستره ایران زمین، تهران، خجسته، ۱۳۷۷.
۹. تابانی، حبیب‌الله، وحدت قومی کرد و ماد، منشأ، نژاد، تاریخ تمدن کردستان، تهران، گسترده، ۱۳۸۰.
۱۰. توحیدی اوغازی، کلیم‌الله، حرکت تاریخی کرد به خراسان، مشهد، سروش، ۱۳۷۱.
۱۱. رشید یاسمی، غلامرضا، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، چ دوم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
۱۲. زکی بک، محمد امین، کرد و کردستان، ترجمه حبیب‌الله تابانی، تبریز آیدین، ۱۳۷۷.
۱۳. زکی بک، محمد امین، زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، تهران، توس، ۱۳۸۱.
۱۴. سلطانی، محمد علی، قیام و نهضت علویان زاگرس یا تاریخ تحلیلی اهل حق، چ دوم، تهران، سها، ۱۳۸۲.
۱۵. سلطانی، محمد علی، نقش کردها در پاسداری از فرهنگ و تمدن ایرانی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
۱۶. سنندجی، میرزا شکرالله، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، مقابله و تصحیح و انضمام حشمت‌الله طیبی، چ دوم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.

۱۷. صفی زاده (بوره که بی)، صدیق، تاریخ کرد و کردستان، تهران، آتیه، ۱۳۷۸.
۱۸. عبدالواحد، سرهنگ شیخ، کردها و سرزمینشان، ترجمه مهندس صلاح الدین عباسی، تهران، احسان، ۱۳۷۸.
۱۹. کندال، عصمت، شریف وانلی، و مصطفی نازدار، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، روزبهان، ۱۳۷۰.
۲۰. گلزاری، مسعود، کرمانشاهان - کردستان (شامل آثار و بناهای اسدآباد، کنگاور، صحنه)، تهران، انجمن آثار ملی، بی تا.
۲۱. مینورسکی، فلاذیمیر، بنچینه کانی کورد و چه ند وه تاریکی کوردناسی، ترجمه نه جاتی عه بدوللا، سلیمانیه، مه کته بی بیر و هوشیاری، ۲۰۰۷.
۲۲. مینورسکی فلاذیمیر، مینورسکی و کورد، ترجمه نه نوری سولتانی، بی جا، چ دوم، بی تا، چاپخانه وه زاره تی په روه رده.
۲۳. وان برویین، سن مارتین، جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت) ساختار اجتماعی و سیاسی کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، چ دوم، تهران، پاینده، ۱۳۷۲.
۲۴. هادیان، کورش، سده‌های سروری (نگاهی به تاریخ و جغرافیای کردستان اردلان)، اصفهان، کنکاش، ۱۳۸۹.

25- Izady, M. r. history of the kurds, in <http://www.en.kurdland.com/history.osp?>

26- Nebez, jemal, **The kurds; History and culture**, London, WKA pablications, London;

